



نصیری متعادل نیست

غلامحسین کرباسچی، مدیرمسئول روزنامه هم‌میهن در گفت‌وگو با ایلنا، در تحلیل مصاحبه‌ی اخیر مهدی نصیری با بی‌بی‌سی گفت: «من اصلاً ایشان را آدم متعادلی نمی‌دانم که بخواهد طرح و رویکردی بدهد. ایشان یک زمانی شاگرد آقای شریعتمداری در کیهان بود، آنقدر فحاشی و ناسزا به همه اصلاح‌طلبان و شخصیت‌های محترم از جمله مرحوم آقای هاشمی، آقای خاتمی و همین آقای تاج‌زاده و امثال آقای تاج‌زاده کرد و حالا آدم باید چه روحیه و رویی داشته باشد که با این حد از افراط یک‌مرتبه این طرف صفحه بیاید.» وی ادامه داد: «آقای نصیری یک آدم افراطی است که نه آن طرف حرف‌هایش درست بود و نه این طرف حرف صحیحی زده که بخواهد نمایندگی کسی از اصلاح‌طلبان را برعهده داشته باشد. در آن طرف هم، اگر کسی از مخالفین نظام سوابق ایشان را بررسی کند، می‌فهمد که ایشان آدم متعادلی نیست.» کرباسچی همچنین تصریح کرد: «کسی حرف او را حساب نمی‌کند که بخواهد چنین طرحی بدهد. حالا موضع‌گیری‌های اصلاح‌طلبان، به‌ویژه شخص آقای تاج‌زاده و آقای موسوی خیلی مشخص است. به نظر من ایشان تعادل ندارد و لازم نیست درباره آن صحبت شود.» وی در پاسخ به این سوال که طرح این موضوع از سوی آقای نصیری دارای چه اهدافی است؟ گفت: «آقای نصیری آدمی است که می‌خواهد خودش را مطرح کند و حرف‌های شاذ می‌زند. زمانی فکر می‌کردم ایشان از طرف همین آدم‌های افراطی مأموریت دارد تا طوری حرف بزند که اگر حرف‌های معقولی زد، جایگاهی پیدا نکند و بگویند فلانی بهترین حرف را برای بی‌اعتبار کردن حرف‌های انتقادی صحیح می‌زند.» کرباسچی تصریح کرد: «اهداف خاصی پشت این موضوع نمی‌بینم و فقط می‌خواهد خودش را مطرح کند که از گردونه حذف نشود. سوابق او آنچنان است که برای آدم‌های اصلاح‌طلب خیلی روشن بوده و کسی حرف‌های ایشان را به بهای بهشت نمی‌دهد. سعی می‌کند حرف‌های تندتری بزند که جایگاهی برای خودش جذب کند.» وی در ادامه افزود: «نصیری آن زمانی هم که در کیهان و پیش آقای شریعتمداری بود و جاهای عمومی کشور در دست آنان قرار داشت، فضاحتی علیه شخصیت‌های ملی، مذهبی و فرهنگی به‌وجود آورد و آن همه توهین، ناسزا و تهمت علیه آن افراد زد که آن زمان هم معلوم بود که ایشان تعادل ندارد. در حال حاضر هم به دنبال همان مسیر است، فقط ورق را برگردانده است. می‌داند که کسی به او وقعی نمی‌گذارد و جایگاهی ندارد، می‌خواهد این سمت افراط را بگیرد تا دیگران به حرف او گوش بدهند.» کرباسچی در پایان تأکید کرد: «به نظر من آقای نصیری جایگاهی در محافل اصلاح‌طلب‌ها ندارد، با توجه به سوابق ایشان، براندازها هم می‌فهمند که فقط به درد همین تبلیغات در رسانه‌هایی مانند بی‌بی‌سی می‌خورد که مثلاً حرف تازه‌ای زده شود. در هر صورت ایشان جایگاهی ندارد.»

خط ترور

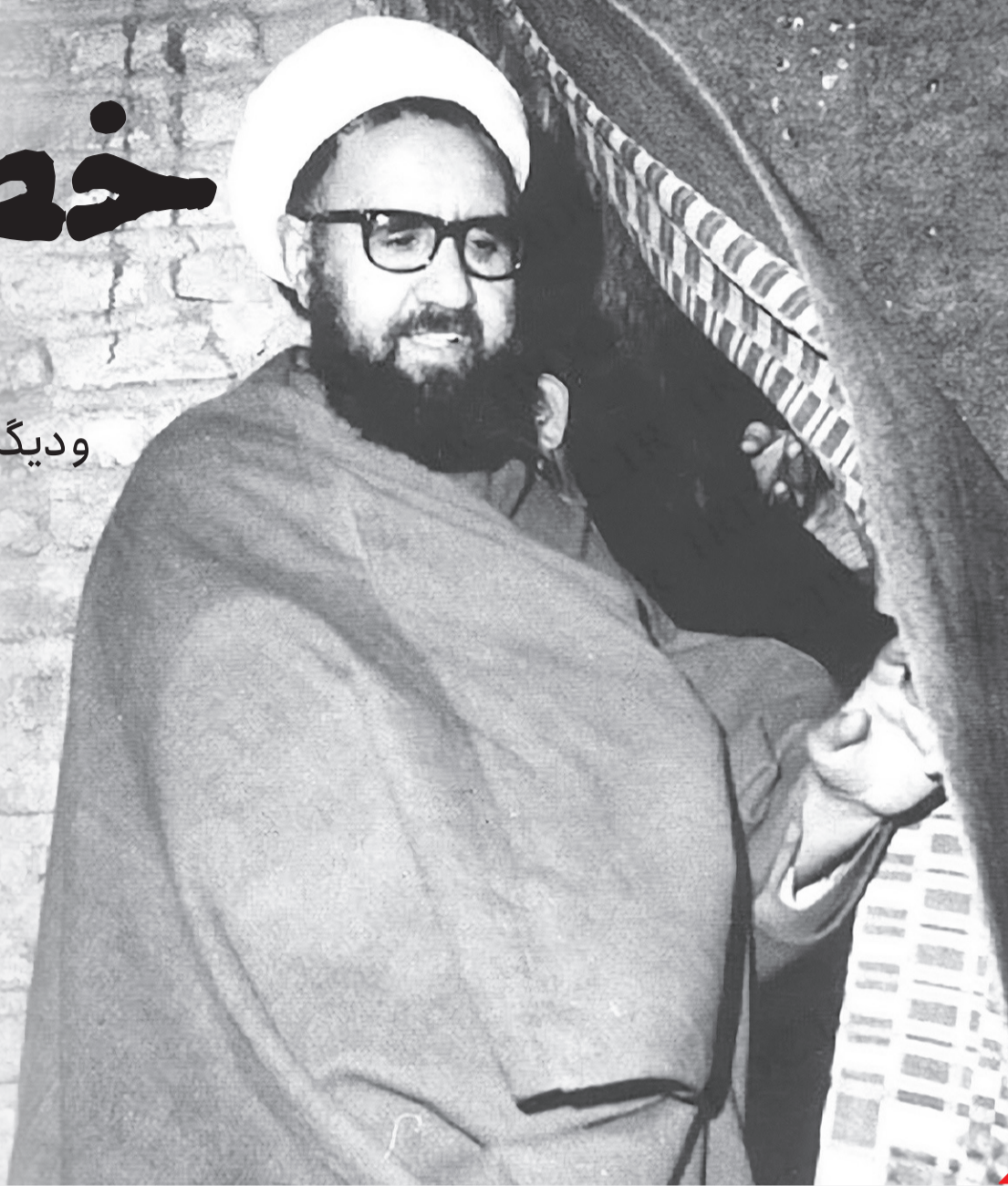
بازخوانی فعالیت‌های فرقان و دیگر گروه‌های مسلح ابتدای انقلاب



منصوره محمدی

خبرنگار گروه سیاسی

«ما رئیس شورای انقلاب را کشتیم!» پیامی که پس از ترور شهید مطهری از سوی گروه فرقان به روزنامه‌های اطلاعات و آیندگان منتقل شد. در شامگاه ۱۱ اردیبهشت سال ۱۳۵۸ زمانی که برای شرکت در جلسه «متاع» به منزل یدالله سحابی رفته بود، خودروی او تحت تعقیب قرار می‌گیرد، اما با هوشیاری راننده به مقصد (منزل یداله سحابی در پیچ شمیران) می‌رسد. جلسه‌ای که قصد شرکت در آن را داشت برگزار می‌شود و پس از آن عزم رفتن به خانه می‌کند اما پس از خروج از منزل سحابی، اندکی که از منزل او دور می‌شود صورت او مورد اصابت یک گلوله از اسلحه محمدعلی بصری قرار می‌گیرد، مطهری را زنده به بیمارستان انتقال می‌دهند اما عملیات احیایی نتیجه می‌ماند و در نهایت به شهادت می‌رسد. شهادت استاد مطهری از نظر بسیاری از مورخین خسار بزرگی برای انقلاب نوپای ایران بود. چراکه میانروی او می‌توانست به بهبود روابط روحانیون و انقلابیون با مردم کمک کند. ترور او که توسط گروه فرقان انجام شد، دومین ترور سیاسی پس از انقلاب بود که تنها چند ماه پس از ۲۲



حزب توده

حمله متفقین به ایران در شهریور سال ۱۳۲۰ منجر به سقوط رضاشاه شد. در پی این سقوط، زندانیان سیاسی مشمول عفو عمومی شدند و از بین آزادشدگان گروهی از زندانیان سیاسی معروف به ۵۳ نفر به همراهی چند تن از افراد کمونیست و چهره‌های ملی، تصمیم به تشکیل حزب توده گرفتند و این حزب در هفتم مهر سال ۱۳۲۰ تأسیس شد. اعضای حزب توده از نامگذاری این حزب به نام «حزب کمونیست» منصرف شدند، چراکه اولاً پیش از این حزب به همین نام در کشور وجود داشت که موفق به جذب پایگاه سیاسی و اجتماعی مناسبی در کشور نشده بود و از طرفی به دلیل وجود قانونی به نام «قانون منع مرام اشتراکی» مصوب سال ۱۳۱۰، رهبران حزب کمونیست یا در زندان و یا تحت تعقیب قضایی بودند. از طرفی نیز نقل است که آنها برای تشکیل حزب کمونیست نیاز به اجازه کمیته‌ن بین‌الملل داشتند (Comintern یا بین‌ناسیونال کمونیست، اتحادیه احزاب کمونیست جهان، از سال ۱۹۱۹ تا سال ۱۹۴۳ فعالیت داشت) و به دلیل منحل شدن آن نیازمند کسب اجازه از شوروی بودند و در تماسی که با شوروی داشتند آنها را از تأسیس حزب کمونیست منع اما اجازه تأسیس حزب دیگری را به آنها می‌دهند. شوروی برای تشکیل این حزب شوروی را نیز معین می‌کند، از جمله اینکه حزبی رسمی و قانونی باشد و در گفتار و کردار آنها هیچ چیزی برخلاف قانون اساسی و سلطنت مشروطه دیده نشود، از ایدئولوژی مارکسیسم و کمونیسم به کلی مبرا باشد و در سیاست جهانی طرفدار متفقین باشد و تمام تلاش خود را برای جلب «شخصیت‌های ملی» به کار برد و فعالیت آنها زبانی به منافع متفقین نزنند. در نهایت با نظر



جمعیت فدائیان اسلام

جمعیت فدائیان اسلام، به‌عنوان جنبشی مردمی-مذهبی در اوایل دهه بیست، به منظور دفاع از اسلام و اجرای احکام اسلامی به رهبری طلبه‌ای جوان به نام سیدمجتبی میرلوحی تهرانی، ملقب به نواب صفوی وارد فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی ایران شد. این جمعیت را بسیاری نقطه آغازین اسلام سیاسی و آغازگر برخوردی عقیدتی و انقلابی با جریان‌های منحط دین‌ستیزی، سلطه‌پذیری و بیگانگی‌پرستی در ایران می‌دانند که خط مشی مبارزاتی آنها مبارزه مسلحانه بود. آنها در یکی از اولین اقدامات خود در برابر احمد کسروی نویسنده کتاب «شیعه‌گری» که در آن ارزش‌های شیعی را به چالش کشیده بود، مواضع صریحی اتخاذ کردند و در نهایت نیز او را به قتل رساندند. با ترور کسروی آنها هم مورد حمایت رهبران مذهبی قرار گرفتند و هم مقامات حکومتی امیدوار بودند تا در برابر حزب توده از آنها بهره‌برداری کنند و جایگاه ویژه‌ای در بین مردم و به‌ویژه طبقه فرودست جامعه پیدا کرده بودند.



آنها مبارزه با استعمار و آشنا کردن مردم معارف اسلامی و زمینه‌سازی نهضت مردمی برای احقاق حقوق مسلمین را هدف اصلی خود مطرح می‌کردند. هاشمی‌رفسنجانی در توصیف جمعیت فدائیان اسلام آنها را اینگونه توصیف می‌کند: «رهبر فدائیان اسلام که پیشاتازان مبارزه مسلحانه آن هم در شکل علنی و شجاعانه‌ای که ابهت‌شان و هیبت‌شان در مجموعه جهان اسلام اثر عمیقی گذاشت، و قلب دشمنان اسلام را در زمانی



شما را با شازده چه کار؟

محمد مهاجری، فعال اصولگرا یادداشتی در کانال شخصی خود درباره مهدی نصیری منتشر کرد. وی در بخشی از این یادداشت نوشت: «از کلبه‌واره «تاج‌زاده و شاهزاده» سخن گفتید. خیلی ها قند توی دل شان آب شد که مهدی نصیری، رفت به همان جایی که می‌خواستیم یعنی «آخر خط». هم مدعیان افراطی انقلابی گری خوششان آمد و هم اپوزیسیون خارج از کشور. من، اما دلم گرفت. آخر، مهدی نصیری را با شاهزاده چکار؟ آنچه امروز از شاهزاده بروز و ظهور دارد واقعاً چیزی جز تعفن سیاسی و فرهنگی و اخلاقی است؟ آنها کجای سیاست ایستاده‌اند و کدام جایگاه را در بین ایرانیان دارند؟» وی در ادامه افزود: «بدرت اینکه چه شده که شاهزاده را همسنگ تاج‌زاده و دیگران می‌دانید؟ صدمی با مصطفی تاج‌زاده ندارم، اما یک موی گندیده تاج‌زاده به همه هیکل شاهزاده کثیفی که وطن‌فروشی کمترین جرمش است و همه حامیان شرف دارد. با برخوردی که با برخی چهره‌های سیاسی منتقد و حتی مخالف در داخل ایران شده به‌شدت مخالفم، اما اینها چه دخلی دارند به آن شاهزاده بدنام بدمکار؟»